



گفت‌وگو

در حال حاضر این امکان برای نسل امروز فراهم است؟ چه پیشنهادی برای آنها دارید؟
بله، فرصت فعالیت وجود دارد، اما به نظرم یک موسیقیدان برای ادامه مسیر حرفه‌ای خود با دو انتخاب روبه‌روست؛ یا در کنار موسیقی، شغل دیگری داشته باشد و از این راه زندگی اش را تأمین کند، یا تمام وقت وانرژی خود را صرف موسیقی کند. در گذشته هم موسیقیدانان توانمندی داشتیم که کارمند اداره بودند، اما در کنار شغلشان، نوازندگی یا آهنگسازی را با جدیت دنبال می کردند. در مقابل، هنرمندانی هم بودند که همه زندگی خود را وقف موسیقی کردند و در این مسیر به موفقیت رسیدند. من شخصاً نتوانستم آن طور که می خواستم، میان زندگی شخصی وفعالیت حرفه‌ای در موسیقی تعادل برقرار کنم. همیشه دوست داشتم در آهنگسازی پیشرفت بیشتری داشته باشم و آثار بیشتری خلق کنم. اکنون نیز به دلیل مشکلات جسمی، سرعت فعالیت‌هایم کمتر شده است. با این حال، توصیه‌ام به نسل جوان این است که با شناخت دقیق از شرایط و امکانات خود، مسیرشان را انتخاب کنند و اگر می خواهند به‌صورت حرفه‌ای در موسیقی فعالیت کنند، برای آن وقت وانرژی کافی بگذارند.

چه تفاوتی میان نگاه شما به تار به عنوان نوازنده و نگاهتان به این ساز از منظر آهنگسازی وجود دارد؟

تفاوت این دو نگاه بسیار زیاد است. البته همیشه گفتم که ترجیح می‌دهم مرا بیشتر به‌عنوان آهنگساز بشناسند تا نوازنده؛ هرچند آثار خوبی هم در زمینه تکنوازی داشته‌ام. به نظرم نوازندگی و آهنگسازی دو حوزه متفاوتند و هرکدام نگاه و توانایی‌های خاص خود را می‌طلبند. اکنون فرصتی دارم تا با بازنگری در مسیر هنری‌ام، بیشتر به این تفاوت‌ها توجه کنم و شاید بتوانم تا تمرکز بیشتری به فعالیت در حوزه آهنگسازی ادامه دهم.

شما از نسلی هستید که هم موسیقی ردیف و دستگاهی را تجربه کرده و هم تحولات موسیقی معاصر را. این دو جهان را چگونه با هم آشتی داده‌اید؟

در موسیقی قدیم ایران، ردیف و اصول موسیقی دستگاهی جایگاه مشخصی داشت و بسیاری از هنرمندان بر همان اساس فعالیت می کردند. با این حال، به اعتقاد من، موسیقی ایرانی ذاتاً ظرفیت تحول و تلفیق با شیوه‌های دیگر را دارد و اگر نتواند با جریان‌های تازه ارتباط برقرار کند، بخشی از توانایی‌های خود را نادیده گرفته است.

از حدود سال ۱۳۰۵، با فعالیت‌های علینقی وزیری، استفاده از ارکستر در موسیقی ایرانی جدی‌تر شد. او با ترتیب شاگردان و اجرای آثار تازه، زمینه ورود ارکستر به این موسیقی را فراهم کرد. به‌تدریج، موسیقی ارکستری در کنار موسیقی سنتی جایگاه خود را پیدا کرد و پس از آن، با شکل‌گیری برنامه «گل‌ها»، تجربه‌های ارزشمندی در پیوند این دو فضا به‌وجود آمد. آهنگسازیان چون علینقی وزیری، روح‌الله خالقی، حسین دهلوی و فرهاد فخرالدینی در این مسیر نقش مهمی داشتند و آثار قابل توجهی خلق کردند. در دوره‌های بعد نیز آهنگسازان با رویکردهای نوآورانه وارد میدان شدند؛ تجربه‌هایی که برخی از آنها موفق بودند و برخی دیگر نتوانستند به نتیجه مطلوب برسند. من معتقدم موسیقی سنتی و ارکستری ایران قابلیت پیوند با یکدیگر را دارند، چراکه هر دو می‌توانند از یک ریشه فرهنگی و موسیقایی برخاسته باشند. این پیوند، اگر به‌با‌شناخت و تسلط بر اصول موسیقی انجام شود، به تنوع و غنای آثار کمک می‌کند. در نهایت، ارتباط با مخاطب نیز اهمیت زیادی دارد؛ زیرا استقبال شونده می‌تواند معیاری برای ارزیابی میزان موفقیت یک تجربه موسیقایی باشد.

آنچه امروز به عنوان نوآوری وارد موسیقی ایران شده، از نظر شما مسیر درستی را طی می‌کند؟

به اعتقاد من، موسیقی پاپ مسیر متفاوتی از موسیقی ایرانی دارد و الگوهای آن با موسیقی سنتی و ملی ما یکسان نیست. البته این نوع موسیقی مخاطبان بسیاری دارد، زیرا معمولاً به‌راحتی با شنونده ارتباط برقرار می‌کند و پیچیدگی‌های موسیقی کلاسیک ایرانی را ندارد.

با این حال، موسیقی گذشته ایران، بویژه آثار دوران گل‌ها و آثاری که پس از آن شکل گرفتند، همواره مورد توجه مخاطبان بوده‌اند. تداوم این جریان و علاقه مردم به این آثار نشان می‌دهد که موسیقی ایرانی همچنان ظرفیت بالایی برای ارتباط با نسل‌های مختلف دارد. حتی امروز نیز بسیاری از آهنگسازان با رجوع به آثار گذشته، تلاش می‌کنند آنها را با رنگ‌آمیزی و تنظیمی تازه ارائه دهند. به نظرم این بازگشت به ریشه‌ها می‌تواند زمینه‌ساز خلق آثار ارزشمند باشد، به شرط آنکه اصالت موسیقی ایرانی در این مسیر حفظ شود.

و در پایان کدام یک از قطعاتی که ساخته‌اید، بیش از همه به زندگی شخصی و دنیای درونی شما نزدیک است؟
بسیاری از قطعاتم چنین ویژگی‌ای دارند. زمانی که شغری را برای آهنگسازی انتخاب می‌کنم، ابتدا باید مفهوم، حال‌وهوا و احساس نهفته در آن را به‌خوبی درک کنم و بعد براساس آن به ساخت موسیقی بپردازم. برای من، ارتباط درونی با شعر اهمیت زیادی دارد و این ارتباط در شکل‌گیری موسیقی تأثیری می‌گذارد. همان‌طور که اشاره کردم، از ۱۹سالگی موسیقی را به‌طور جدی آغاز کردم و در ۲۳سالگی به گروه پیوستم. به همین دلیل، احساس می‌کردم برای پیشرفت در زمینه نوازندگی و آهنگسازی فرصت محدودی داشته‌ام. همیشه تلاش می‌کردم کمبودهایی را که در گذشته احساس می‌کردم، جبران کنم و در کنار آن، به دنبال یافتن مسیرهای تازه‌ای برای پیشرفت باشم. اگر زمان و فرصت بیشتری در اختیار داشتم، حتماً می‌توانستم کارهای مجید درخشانی در تاریخ موسیقی ایران باقی بماند، دوست دارم این ماندگاری بیش از هر چیز با طریق آهنگسازی‌ام باشد؛ چراکه آهنگسازی بخشی است که بیش از همه دوست دارم با آن شناخته شوم.

مجید درخشانی، آهنگساز و نوازنده در گفت‌وگو با «ایران»:

دوست دارم با آهنگسازی جاودانه شوم

هفته اول مهرماه بود؛ در عصر یک روز پاییزی، به خانه استاد مجید درخشانی، آهنگساز و نوازنده پیشکسوت موسیقی ایران، رفتم. از آخرین دیدار و گفت‌وگوی ما حدود ۹ سال می‌گذشت؛ گفت‌وگویی که در سال ۱۳۹۶ و به مناسبت انتشار آلبوم «حالا چرا...» در روزنامه «ایران» انجام شد. پس از آن، سفرها و مشغله‌های کاری استاد فرصتی برای دیدار دوباره باقی نگذاشت تا اینکه پاییز امسال بار دیگر روبه‌روی هم نشستیم. نمی‌دانم گذر سال‌ها موهایش را سپید کرده بود یا دشواری‌هایی که فعالیت هنری اش را تحت تأثیر قرار داد؛ هرچه بود، از شادابی چهره‌اش اندکی کاسته شده بود. بیماری سال‌های اخیر نیز او را کم‌توان و بی‌قرار کرده بود. هر چند دقیقه یک‌بار در خانه قدم می‌زد تا از بی‌حسی انگشتان دست و پایش بکاهد؛ دست‌هایی که روزگاری نغمه‌هایی ماندگار در موسیقی ایران آفریدند؛ از «در خیال» و «از بودن و نبودن» تا «فصل باران» و «شهر آشنایی»؛ آثاری که با صدای هنرمندانی چون محمدرضا شجریان، محمد معتمدی و علیرضا قربانی به گوش مخاطبان رسیدند. حدود یک ماه پیش نیز یکی از آثار قدیمی این آهنگساز منتشر شد؛ تصنیف «می‌تراود مهتاب» با صدای همایون شجریان، بر پایه شعر ماندگار نیما یوشیج که همچنان طنین و معنای خود را حفظ کرده است: «می‌تراود مهتاب، می‌درخشد شیباب نیست یک دم شکند خواب به چشم کس و لبک غم این هفته چند خواب در چشم ترم می‌شکند...» انتشار این اثر، بهانه‌ای شد تا بار دیگر برای صحبت‌های مجید درخشانی بنشینیم؛ هنرمندی که سال‌های بسیاری از عمر خود را صرف آفرینش و اعتلای موسیقی ایران کرده است. در این دیدار، از مسیر هنری اش، تجربه همکاری با بزرگان موسیقی، خاطرات گذشته و انتشار «می‌تراود مهتاب» گفتیم؛ گفت‌وگویی که در ادامه می‌خوانید:

گفت‌وگو

ندا سیجانی

گروه فرهنگی

اشعار نیما ظرفیت بالایی برای آهنگسازی دارند و اگر آهنگساز بتواند به‌درستی به فضای آنها ارتباط برقرار کند، می‌تواند آثار تأثیرگذاری خلق کند.

در انتخاب خواننده چطور؟

این روزها انتخاب خواننده شایسته دشوار شده است. البته نمی‌توان گفت خواننده توانمند نداریم، اما تعداد کسانی که بتوانند در موسیقی آوازی ما جریان تازه‌ای ایجاد کنند، اندک است. منظورم این است که صرف خواندن کافی نیست؛ گاهی صدایی باید ظهور کند که بتواند اتفاقی تازه رقم بزند، همان‌طور که استاد شجریان در زمان خود چنین تأثیری بر موسیقی ایران گذاشتند. در حال حاضر هم هنرمندان توانمندی فعالیت می‌کنند، اما به اعتقاد من، تعداد این صداهای متمایز برای کشور با پیشینه غنی شعر و موسیقی کافی نیست. از سوی دیگر، زمان همواره سهم مهمی در موسیقی آوازی ایران داشته‌اند، اما بنابر شرایطی بخشی از این ظرفیت کمتر مجال بروز پیدا کرد. به همین دلیل، کمبود خوانندگان توانمند و فرصت‌های محدود برای فعالیت برخی از آن‌ها همچنان از مسائل مهم موسیقی آوازی ماست.

چرا آواز ایرانی با وجود برخورداری از پیشینه و ظرفیت‌های غنی، نتوانسته است آن‌طور که باید با مخاطب امروز ارتباط برقرار کند؟

من معتقدم اگر آواز ایرانی به‌درستی و با کیفیت مناسب عرضه شود، بی‌تردید مخاطبان بسیاری پیدا خواهد کرد. البته نمی‌توان آواز سنتی را دقیقاً با همان شیوه و شکل قدیمی به مخاطب امروز عرضه کرد و انتظار داشت که با استقبال گسترده روبه‌رو شود؛ مگر در مواردی که کیفیت اجرا به‌قدری بالا باشد که بتواند مخاطب را جذب کند. به نظرم باید به زبان و سلیقه شنونده امروز نیز توجه داشت، بدون آنکه اصالت موسیقی ایرانی را از دست بدهیم.

آیا شیوه نوین همایون شجریان در ارائه موسیقی را می‌توان نمونه‌ای از این رویکرد دانست؟

بله، اگر موسیقی‌ای که عرضه می‌شود از کیفیت و ظرفیت هنری لازم برخوردار باشد، استفاده از شیوه‌های تازه هیچ اشکالی ندارد. چنین رویکردی می‌تواند رنگ و بوی متفاوتی به موسیقی ببخشد و زمینه ارتباط بیشتر آن با مخاطب امروز را فراهم کند.

در مسیر فعالیت هنری‌تان از محضر کدام استادان بهره‌بردید؟

وقتی وارد هنرستان شبانه موسیقی ملی شدم، استادانی مانند آقایان فیروسیفی و وهدانی در آنجا تدریس می‌کردند. علاقه‌مند بودم در کلاس استاد هوشنگ ظریف حضور پیدا کنم، اما ظرفیت کلاس ایشان تکمیل بود و این امکان برایم فراهم نشد. خوشبختانه سال بعد با استاد محمدرضا لطفی آشنا شدم. برادرم با ایشان آشنایی داشت و به همین واسطه، استاد لطفی پذیرفت که به‌صورت خصوصی با من کار کند. از همان زمان، مسیر جدی من در موسیقی آغاز شد. حدود هفت تا هشت سال در محضرشان شاگردی کردم و درس‌های بسیاری

چرا همکاری استاد شجریان با آهنگسازان

نوازندگان نسل شما به دوره‌ای مهم در موسیقی معاصر ایران تبدیل شد؟ خود شما هنگام انتخاب شعر چقدر حساسیت به خرج می‌دهید؟

معمولاً سراغ شعرهایی می‌روم که برمن تأثیر عاطفی بگذارند و حرفی برای گفتن داشته باشند. چنین شعرهایی به آهنگساز کمک می‌کنند تا بتواند مفهوم و احساس اثر را با بیانی ساده و در عین حال زیبا به مخاطب منتقل کند. به همین دلیل، معتقدم

همکاری تازه شما با همایون شجریان چگونه

شکل گرفت و ابیده اولیه این اثر از کجا آمد؟

درواقع، قطعه «می‌تراود مهتاب» و تصنیف «خانه‌ام ابری است» دو اثر هم‌خانواده هستند که هر دو سال‌ها پیش بر اساس شعرهای نیما یوشیج، ساخته شدند. زمانی که موسیقی این شعرها را ساختم، علاقه زیادی به آنها پیدا کردم و آثار را به استاد محمدرضا شجریان پیشنهاد دادم. در ابتدا قرار بود هر دو قطعه را ایشان بخوانند که البته به همایون شجریان پیشنهاد شد. برای اینکه اجرای او را در این اثر محک بزнім، پیشنهاد کردم قطعه را در استودیو بخواند و به این ترتیب، کار ضبط شد. ناگفته نماند که همایون در آن زمان هنوز خوانندگی را به‌صورت جدی آغاز نکرده بود. پس از آن، به‌دلیل مشغله‌های کاری و کنسرتهای متعدد استاد شجریان و همایون، از جمله برنامه «من‌و‌ما با بم» و اجراهای آمریکا، روند کار متوقف شد و قطعه به انتشار نرسید. خوشبختانه، این اثر در میان آثار ضبط شده‌ای که هنوز منتشر نشده بودند، پیدا شد و پس از گفت‌وگو با همایون شجریان، سرانجام زمینه انتشار آن فراهم شد.

آیا همچنان آثاری از استاد محمدرضا

شجریان وجود دارد که منتشر نشده باشد؟

بله، آثاری هستند که به استاد شجریان پیشنهاد داده بودم و قرار هم بود آنها را اجرا کنند، اما متأسفانه درگذشت استاد همه ما را متأثر کرد و انتشار بسیاری از این آثار ناتمام ماند. علاوه بر این، اجرایی‌هم با گروه شهناز داشتیم و همچنین کنسرتی در مایه اصفهان؛ این اجراها ضبط شده‌اند، اما هنوز فرصت انتشار پیدا نکرده‌اند.

باتوجه به تأثیرپذیری شما از موسیقی سنتی و ملی ایران و هنرمندان نسل‌های گذشته، همچنین فعالیت‌تان در گروه چاووش، چه عواملی باعث شده است که در طول چهار دهه فعالیت هنری، به مسیر موسیقایی خود وفادار بمانید و همچنان بر حفظ و تداوم موسیقی ملی ایران تأکید داشته باشید؟

حوزه فعالیت من موسیقی سنتی و موسیقی ملی است؛ مسیری که ریشه در آثار تولیدشده در برنامه «گل‌ها» دارد و همواره به این فضا علاقه‌مند بوده‌ام. بخش عمده آثارم رنگ و بوی این ژانر را دارد و از موسیقی و موسیقی دانان نسل‌های گذشته تأثیر گرفته‌ام. در میان هنرمندان معاصر نیز آهنگسازان بزرگی همچون استادان فرهاد فخرالدینی، محمدرضا لطفی و حسین علیزاده از الگوهای ما بودند. زمانی که در گروه چاووش فعالیت می‌کردیم، آثار بسیاری در همین فضا ساخته شد که بخشی از آنها ضبط نشده بود. تا زمانی که چاووش فعالیت داشت، این آثار به‌تدریج اجرا و منتشر می‌شدند، اما پس از تعطیلی آن، انتشار برخی از این کارها متوقف شد و تعدادی از آنها در گذر زمان به فراموشی سپرده شدند.

در واقع موسیقی‌ای که در طول این سال‌ها ساخته، ضبط و اجرا کردم، عمدتاً حاصل کار و آهنگسازی خودم بوده است. اگر آثار ۴۰ سال پیش من را با کارهای امروز مقایسه کنید، متوجه می‌شوید که همچنان همان مسیر را ادامه داده‌ام؛ زیرا از ابتدا به یک خط مشخص در موسیقی اعتقاد داشته‌ام و هنوز هم به آن پایبندم. باور دارم موسیقیدان ایرانی باید همواره از ردیف و میراث موسیقی کهن ایران بهره بگیرد، آن را به‌درستی بشناسد و درک کند و سپس بتواند این آموخته‌ها را در فضای موسیقی خود پرورش دهد. من به مسیری که انتخاب کرده‌ام وفادار مانده‌ام و معتقدم ظرفیت ماندگاری دارد. برای این آثار وقت بیشتری گذاشتم و با دقت بیشتری روی آنها کار کرده‌ام؛ البته این به معنای غفلت از دیگر گونه‌های موسیقی نیست. در کنار موسیقی ملی، در زمینه موسیقی صحنه و موسیقی فیلم نیز فعالیت داشته‌ام و برای کنسرت‌ها و اجرای‌های زنده، آثار متعددی نوشته‌ام. بنابراین، ادامه این مسیر برای من اتفاقی یا حاصل شرایط نبوده، بلکه انتخابی آگاهانه است. همچنان به موسیقی ملی ایران باور دارم و تلاش می‌کنم این مسیر را در آثارم ادامه دهم.

وقتی این قطعه منتشر شد، چه احساسی داشتید؛ اثری که زمانی قرار بود استاد شجریان آن را بخواند. امروز با صدای فرزند ایشان به مخاطبان رسید‌ه است؟

همکاری ودوستی با استاد شجریان چه تأثیری بر زندگی هنری

شما داشت و به نظر شما نسل امروز موسیقی ایران چگونه

می‌تواند میراث هنری و کیفیت آثار بزرگان آن دوران را ادامه دهد؟

همکاری من با استاد شجریان از دوران حضورم در گروه‌های شیدا و چاووش آغاز شد. معاشرت و همکاری با ایشان، لحظه به لحظه

آموختم. درواقع، استاد ساز و ردیف من بودند و نقش مهمی در شکل‌گیری مسیر هنری‌ام داشتند. در زمینه آهنگسازی به خصوص در دوران دانشجویی بیشتر از استاد حسین علیزاده بهره بردم. حضور استاد علیزاده و آشنایی با شیوه تار نوازی از کمک بزرگی بود تا شناخت عمیق‌تری از موسیقی ایرانی پیدا کنم. هر زمان پرسشی داشتم، با روی باز پاسخ می‌دادند و همکاری و معاشرت هنری با استاد برایم بسیار ارزشمند و دلپذیر بود.

آشنایی شما با استاد حسین علیزاده زمینه ورودتان به گروه چاووش را فراهم کرد؟

ورود من به چاووش از طریق گروه شیدا صورت گرفت که سرپرستی آن را استاد لطفی برعهده داشتند و از من دعوت کردند با این گروه همکاری کنم و من هم پذیرفتم. پس از آن، در چاووش با هنرمندانی چون حسین علیزاده و پرویز مشکاتیان آشنا شدم. اعضای گروه‌های عارف و شیدا در کنار یکدیگر مجموعه‌ای حدوداً ۱۵ نفره را تشکیل دادند و گروه چاووش شکل گرفت. حضور حسین علیزاده که آهنگسازی برجسته بودند و هستند، برای چاووش بسیار ارزشمند بود و آثار زیبایی خلق کردند. استاد پرویز مشکاتیان نیز در این زمینه نقش مهمی داشتند. زمانی که به چاووش پیوستم، ۲۱ ساله بودم و در آن دوره بیشتر در ارکستر می‌نواختم. اگر هم اثری می‌ساختم، استادان باتجربه‌تر به ما کمک می‌کردند تا کارمان پخته‌تر شود. من از همان زمان به آهنگسازی علاقه داشتم و در دوران حضورم در چاووش، پنج یا شش قطعه ساختم؛ اما این آثار تا امروز اجرا نشده است.

در بخش نوازندگی و آهنگسازی، مجید درخشانی امروز چه تفاوتی با جوانی دارد که تازه وارد دنیای موسیقی شده بود؟

در دهه ۶۰، موسیقی ایران همچنان بر پایه اصول موسیقی کلاسیک و سنتی پیش می‌رفت و بسیاری از نوازندگان و آهنگسازان به ریشه‌ها و قواعد موسیقی ایرانی وفادار بودند. البته امروز هم این نگاه وجود دارد، اما برخی هنرمندان تلاش می‌کنند با تجربه‌های هر ماه حتی یک اثر شاخص و ماندگار تولید می‌کنیم؛ آثاری که هم از نظر احساس، هم از نظر تکنیک و هم از نظر ساختار موسیقایی کیفیت لازم را داشته باشند. این وضعیت در حالی است که پس از انقلاب، با وجود محدودیت‌ها و دشواری‌های موجود، آثار ارزشمندی در موسیقی ایران خلق شد. آنچه به نظرم امروز کمتر

آیا ممکن است شرایط به گونه‌ای پیش برود که نسل امروز دوباره به موسیقی‌های قدیمی رجوع کند؟

بله، قطعاً چنین امکانی وجود دارد. همین حالا هم بازسازی تصنیف‌های قدیمی و اجرای دوباره آثار آهنگسازان نسل گذشته، به شهرت و محبوبیت برخی خوانندگان کمک کرده است. برای مثال، هر ماه حتی یک اثر شاخص و ماندگار تولید می‌کنیم؛ آثاری که هم از نظر احساس، هم از نظر تکنیک و هم از نظر ساختار موسیقایی کیفیت لازم را داشته باشند. این وضعیت در حالی است که پس از انقلاب، با وجود محدودیت‌ها و دشواری‌های موجود، آثار ارزشمندی در موسیقی ایران خلق شد. آنچه به نظرم امروز کمتر

دیگر بزرگان، خوانندگان توانمندی ظهور کنند و بتوانند این مسیر را ادامه دهند و آثار ارزشمندی برای موسیقی ایران خلق کنند.

رمز موفقیت استاد شجریان را بیشتر در شخصیت اجتماعی ایشان می‌دانید یا در آثارشان؟

استاد شجریان ابعاد مختلفی داشتند، اما به اعتقاد من، در درجه نخست باید به جایگاه هنری ایشان اشاره کرد. هم از مهارت و دانش موسیقایی بالایی برخوردار بودند و هم احساس و قدرت بیانشان در آواز بسیار تأثیرگذار بود. به همین دلیل، مخاطبان و اهالی موسیقی احترام ویژه‌ای برای ایشان قائل بودند. یکی از ویژگی‌های مهم استاد شجریان این بود که با بزرگان نسل‌های پیشین موسیقی ایران همکاری کرده و از تجربه و دانش آنها بهره‌برد. استاد محمدرضا لطفی نیز چنین ویژگی‌ای داشتند. این هنرمندان، موسیقی نسل‌های گذشته را به‌خوبی می‌شناختند و با تکیه بر همان پشتوانه، در مسیر گسترش و تحول موسیقی ایرانی گام برداشتند. به نظرم، پیوند میان شناخت عمیق سنت و نگاه تازه به موسیقی، از عوامل مهم موفقیت آنها بود.

جایگاه اجتماعی استاد شجریان نیز تا اندازه زیادی از همین اعتبار هنری و تأثیرگذاری آثارشان سرچشمه می‌گرفت. مردم به موسیقی او علاقه داشتند و مشتاق شنیدن آثارشان بودند. امروز شکل‌گیری چنین ارتباط عمیق و گسترده‌ای میان یک هنرمند و مخاطبانش به‌سادگی گذشته نیست، اما امیدوارم در آینده شاهد ظهور هنرمندانی باشیم که بتوانند چنین جایگاهی در موسیقی ایران پیدا کنند.



ویژه‌ای دارند و هر کدام بخشی ارزشمند از تجربه همکاری‌ام با استاد شجریان هستند. به اعتقاد من، دوره طلایی موسیقی ایران زمانی بود که استادانی چون محمدرضا لطفی، پرویز مشکاتیان و حسین علیزاده در کنار دیگر بزرگان موسیقی فعالیت می‌کردند. در آن دوران، نوعی صداقت و کیفیت هنری در آثار وجود داشت که به‌تدریج کم‌رنگ شد و موسیقی پس از آن نتوانست به همان شکل ادامه پیدا کند. امیدوارم با وجود فقدان استاد شجریان